

بلایای طبیعی، بحران‌های اجتماعی و خشونت علیه زنان

ژیلا قزوینه*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۱

چکیده

در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی خشونت علیه زنان افزایش می‌یابد. از درون ساختار خانواده تا مکان‌های عمومی، هریک عرصه خشونت علیه زنان می‌شود. این مقاله بر آن است نشان دهد خشونت علیه زنان تنها به فضای داخلی خانه‌ها محدود نمی‌شود، در زمان جنگ و بلایای طبیعی، شدت بیشتری می‌گیرد و امنیت زنان در مکان‌های عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مقاله با استفاده از روش اسنادی، مشکلات، اقدامات و مطالعات انجام شده در چهار سال اخیر در زمینه خشونت علیه زنان در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی - در سطح جهانی - را مرور می‌کند. گزارش‌ها نشان می‌دهد خشونت علیه زنان - چه در درون خانواده و چه مکان‌های عمومی - در زمان جنگ‌ها و بلایای طبیعی بیشتر شده و پیامدهای مختلف جسمی، روحی، ارزشی - اخلاقی و عرفی و قانونی برای زنان به همراه داشته است. اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته در زمینه مبارزه با خشونت علیه زنان در بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی شامل: ۱. تلاش برای بازگشت به زندگی طبیعی توسط آسیب‌دیدگان و به‌ویژه زنان؛ ۲. تغییر نگرش و نقش رهبران مذهبی و فرهنگی؛ ۳. توانمندسازی زنان؛ ۴. راه‌اندازی کمپین‌ها و فعالیت‌های علمی و مدنی؛ ۵. تصویب قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی و ۶. ایجاد مراکز امن بوده است.

کلید واژه‌ها: خشونت، زنان، بلایای طبیعی، بحران‌های اجتماعی، جنگ.

۱. مقدمه و طرح مسئله

امروزه خشونت و ترس از خشونت، به‌عنوان یک نگرانی فراگیر در تمام جوامع مطرح است (وینتون^۱، ۲۰۰۴: ۱۶۶). شدت این نگرانی در زمان بلائی طبیعی و بحران‌های اجتماعی بیش‌ازپیش می‌شود. سستی قانون در جنگ و بلائی طبیعی، چارچوب‌های پیشین را از میان برداشته و حریم گروه‌های آسیب‌پذیر شکننده‌تر می‌شود. زنانی که تا پیش‌ازاین با خشونت‌هایی روبرو بوده‌اند از این‌پس قربانی تجاوز از سوی و خودسانسوری از سوی دیگر بوده و از جهات مختلف مورد تهدیدات و ارعاب روانی و فیزیکی و آثار زیان‌بار آن هستند.

خشونت در زمان بلائی طبیعی و بحران‌های اجتماعی به شکل خشن آن که زنان را نقطه هدف قرار می‌دهد در پیوندی تنگاتنگ با هرج‌ومرج، ژرفای فرهنگ مردسالاری و نگرش‌های جنسیتی قرار می‌گیرد. از این‌رو تجاوز و خشونت علیه زنان در چنین زمان‌هایی، پیش از تجاوز، دستاورد ساختارهای مردسالارانه است که در یک جامعه زنان به‌عنوان دارایی مردان مورد هدف قرار گرفته و با این وسیله هر دو را مورد تحقیر قرار می‌دهند. چنین پیامدهایی در زمان بحران‌های اجتماعی، با موضوع "آبرو" به‌عنوان یک قاعده اجتماعی و فرهنگی درهم‌تنیده شده و شرمساری زنان قربانی، نه‌تنها آنان را از درخواست کمک از سازمان‌های بشردوستانه باز می‌دارد بلکه آنان را به پنهان‌نگه‌داشتن آن‌ها می‌دارد. شرمساری که تنها متوجه زنان می‌شود و نه متجاوزین آن‌ها. پیامدهای جسمی ناشی از تجاوز از سوی و پیامدهای روانی آن از دیگر سو، گاه، پایان بخشیدن به زندگی را پیش روی آنان قرار می‌دهد.

موارد دیگری از پیامدهای جبران‌ناپذیر جنگ‌ها، شامل زنانی است که گاه شاهد کشته‌شدن همسران و یا فرزندانشان بوده و تا پایان عمر باری از کابوس‌های شبانه و نشانه‌های زیان‌آور روحی و روانی را با خود بر دوش می‌کشند. این در حالی است که پیامدهای اندوه‌بار بحران‌های اجتماعی، تنها به بار کردن هزینه‌های اقتصادی ناشی از جنگ و بلائی طبیعی محدود نشده و هزینه‌های گزافی که خشونت به دولت‌ها تحمیل می‌کند نیز مسئله‌ای قابل‌توجه است. شماری از مطالعات از تحمیل هزینه‌های خشونت علیه زنان به دولت‌ها حکایت دارد (گولدفارب^۲، ۲۰۰۲: ۶۳؛ داوری^۳ و همکاران، ۲۰۱۲ و

1. Winton
2. Goldfarb
3. Duvvury

۲۰۱۳؛ باردا^۱ و کیسس، ۲۰۱۳: ۱۴؛ دارکو^۲ و همکاران، ۲۰۱۵؛ جورج و بریجت^۳، ۲۰۱۴: ۳۷).

جهان و به‌ویژه در چند سال اخیر، منطقه خاورمیانه جایگاه ستیز گروه‌های گوناگونی بوده که هریک به شکلی زنان را مورد تعرض قرار داده و بر شدت مسائل پیش‌روی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشری افزوده است. این مطالعه تلاش می‌کند بحران‌های پیش‌روی زنان در جنگ‌ها و بلایای طبیعی را به تصویر بکشد؛ آیا مسائل مقابل زنان همان مسائلی است که در رسانه‌های گروهی و توسط دولت‌ها پیش کشیده می‌شود و یا امری فراتر از آن‌هاست؟ جنگ چگونه، تحمیل خشونت‌هایی دیگر و از نوع متفاوت برای زنان ایجاد می‌کند؟ براساس تعاریف صورت گرفته از ازدواج اجباری و زودهنگام کودکان (مرکز بین‌المللی تحقیقات زنان، ۲۰۰۶؛ لاک، ۲۰۱۳؛ یونیسف، ۲۰۱۸؛ یونیسف، ۲۰۱۸، جوهان و لاواتز^۴، بی تا، ۹) - به‌عنوان گواه بارز خشونت علیه زنان و انتقال وحشیانه از دوران کودکی به بزرگسالی - آیا بحران‌های اجتماعی و بلایای طبیعی با گسترش ازدواج‌های زودهنگام دختر بچه‌ها در پیوند است؟ آیا تلاش‌هایی در این باره انجام گرفته است؟

۲. مبانی نظری

نظریه‌های فمینیستی تبیین‌های قانع‌کننده‌تری نسبت به سایر نظریات در زمینه خشونت علیه زنان در زمان بحران‌های اجتماعی و از جمله جنگ ارائه می‌کنند. به باور برخی از فمینیست‌ها سلطه‌ی مردانه در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، انگیزه نهایی بسیاری از تجاوزهای جنسی است و آن را جنایت ناشی از قدرت می‌دانند (الیس^۵، ۱۹۸۹). سوزان میلر در تئوری فمینیستی تجاوز جنسی باور دارد: «تجاوز به عنف چیزی بیش از یک فرایند آگاهانه از هراساندن و تهدید است که همه مردان، همه زنان را در جایگاه ترس قرار می‌دهند (براون میلر^۶، ۱۹۹۳). از دید او، مردان به‌طور طبیعی کنشگر تجاوز و زنان، قربانی طبیعی عمل ایشان‌اند. زنان از راه تهدید به تجاوز هم‌چنان در انقیاد مردان باقی‌مانند (آبوت و والاس، ۱۳۹۱: ۲۳۵). چشم‌انداز فمینیست رادیکال لیبرال در مورد تجاوز به عنف، نشان می‌دهد حمله به‌وسیله قدرت و مهار به‌جای لذت جنسی تحریک می‌شود

1. Barreda & Cases
2. Darko
3. George & Bridget
4. Johann & Lawaetz
5. Ellis
6. Brown

و به‌جای یک عمل جنسی، یک عمل خشونت‌آمیز است (بورلی^۱، ۲۰۱۶). تجاوز در جنگ، قطعاً در رابطه با جنس، میل جنسی، لذت و یا جنسیت نیست (نیارچاس^۲، ۱۹۹۵ و سایفرت^۳، ۱۹۹۶ به نقل از اریکسون باز و استرن^۴، ۲۰۱۸: ۲۹۵). در تعارضات، بدن‌های زنان اغلب میدان‌های جنگی است که خشونت را به‌تحقیر و ستم تبدیل می‌کند. ریسک‌ها تقویت می‌شود، زیرا زنان می‌توانند از خانه‌هایشان ریشه‌کن شوند و از شبکه‌های پشتیبانی معمول خود جدا شوند، درحالی‌که سیستم‌های حمایت اجتماعی و حقوقی سست شده یا نابود می‌شوند (خشونت علیه زنان، ۲۳ نوامبر ۲۰۱۸). از این رو فرایند فراگیر و مهم سیاسی "تجاوز به‌عنوان یک سلاح جنگی" و همچنین درک غالب تجاوز در دوران جنگ به‌راحتی درک می‌شود (الیسون^۵، ۲۰۰۷ به نقل از اریکسون باز و استرن، ۲۰۱۸: ۲۹۶).

تجاوز به‌عنف به‌دست سیستم عدالت کیفری ممکن است با نابرابری جنسیتی موجود در جوامع پدرسالار، در پیوندی تنگاتنگ قرارگیرد (جانسون^۶، ۲۰۱۳). فمینیسم "پدرسالار" مفهوم نقش‌های زن و مرد در جامعه را به چالش می‌کشد (اوفورچوکوو^۷، ۲۰۱۰: ۲۳). در این زمینه، تجاوز جنسی به‌عنوان یک جنایت علیه یک شوهر یا پدر زن، مورد توجه قرار گرفت (بورگس، جکسون^۸، ۱۹۹۶: ۴۹-۴۴؛ به نقل از استنفورد انکلوپدیا^۹). در ساختار پدرسالارانه، مسائل ناموسی از اهمیت فراوانی برخوردارند و ضمانت اجرایی آن در حاکمیت مرد قرار دارد. خانواده حریم خصوصی مردان است که باید در نقش سرپرست خانواده، اعضای آن شامل همسر و فرزندان - به‌ویژه دختران - را واریسی کنند (گلز، ۱۹۸۵: ۴۵). خشونت علیه زنان در یک زمینه ویژه همانند پدرسالاری برای واریسی زنان انجام می‌گیرد (دوباش، ۱۹۷۹ و دوباش، ۱۹۹۸؛ به نقل از تانکی سنلت^{۱۰}، ۲۰۱۲: ۴۶). زنان قربانیان تروریسم پدرسالارانه (مارش^{۱۱}، ۲۰۱۱: ۴۳)؛ بنابراین مردسالاری علت نهایی همه سوءاستفاده از زنان بوده

-
1. Beverly
 2. Niarchos
 3. Seifert
 4. Eriksson Baaz & Stern
 5. Alison
 6. Johnson
 7. Oforchukwu
 8. Burgess. Jackson
 9. Stanford Encyclopedia of Philosophy
 10. Tuncay.senlet
 11. Marsh

(تریسی^۱، ۲۰۰۷: ۵۷۷-۵۷۶) و باعث می‌شود زن‌ها پایین‌تر قرار گیرند و الگوی تاریخی خشونت سیستمی علیه زنان شکل بگیرد (گلز و استراوس، ۱۹۸۶). از چهار تبیین نظریه کالینز و کلترانس در زمینه تضاد و خشونت در خانواده‌های امروزی، متغیر "فشارهای اقتصادی" نیز می‌تواند تبیین‌گر مناسبی باشد: میزان تعارضات خانوادگی هنگام فشارهای اقتصادی افزایش پیدا می‌کند، به‌ویژه در میان طبقات پایین جامعه این عامل نقشی عمده ایفای می‌کند چنین خانواده‌هایی درک خیلی سنتی از نقش‌های جنسیتی دارند و چنین می‌پندارند که شوهر فراهم آورنده اقتصادی و رئیس خانواده است^۲ (۱۹۹۱).

۳. مواد و روش‌ها

این مقاله مطالعه‌ای اسنادی است که با جستجو بر متون موجود، از بانک‌های اطلاعات علمی با استفاده از واژگان کلیدی خشونت علیه زنان در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی صورت گرفت. در این زمینه تلاش شد اسناد گردآوری شده فراگیر باشند؛ بدین منظور و برای دستیابی به سؤالات تحقیق، مطالعات زیر مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت:

- متن مقالات، کتاب‌ها، گزارش‌های دولتی و بین‌المللی از مجامع سازمان ملل و سازمان‌های حقوق بشری در حوزه خشونت علیه زنان در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی.
- تحقیقات چهار ساله اخیر، به‌دلیل به مشکلات اخیر در زمینه وقوع جنگ‌های گسترده و بلایای طبیعی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و اقدامات انجام شده در این زمینه است.

۴. مسائل و موانع بررسی خشونت

هر چند در مورد خشونت بسیار نوشته شده است، اما تحقیقات در این زمینه دشوار است. در بسیاری از کشورها، ننگ، شرم و ترس موجب می‌شود کنشگران خود را، پنهان کنند. تحقیقات (فریس^۳، ۲۰۱۵ و کوینا تیل^۴، ۲۰۱۲) نشان می‌دهند کسانی که از خشونت آزار دیده‌اند تمایلی به گفتگو درباره تجربه خود ندارند. در برخی فرهنگ‌ها، حتی به‌زبان‌آوری آن تابو است (فریس، ۲۰۱۵). براساس گزارش‌ها از کمیته بین‌المللی

1. Tracy

2. Collins & Kltrans

3. Ferris

4. Kvinna till

نجات^۱ (۲۰۱۴ و میلر^۲، بی‌تا) در سوریه، در زمان وقوع خشونت بسیاری از زنان به خانه‌های خود فرستاده می‌شوند چراکه طلاق لکه‌ای بر آبروی خانواده است. خشونت جنسی اغلب گزارش نشده و ناپایداری سرزمین‌های جنگی، می‌تواند جامعه مدنی را از بین ببرد. به دلیل خشم جمعی ناشی از تجاوز جنسی و شرم، زنان نمی‌توانند یا نمی‌خواهند این جنایات را گزارش کنند (کویناتیل، ۲۰۱۲). مطالعه‌ای در مالاوی نشان می‌دهد مردم با خشونت ناآشنا بوده و نمی‌دانستند که از آن‌ها سوءاستفاده شده است (فریس^۳، ۲۰۱۵: ۲۹). مطالعات سازمان ملل نیز نشان می‌دهد در برخی کشورهای جنگ‌زده، همه زنان از حقوق خود آگاه نبوده و نمی‌دانند که تجاوز به‌عنوان یک جرم دسته‌بندی شده است (کوینا تیل، ۲۰۱۲: ۲). خشونت جنسی علیه زنان همچنان یک سلاح ارزان است که در عمل، به‌ندرت منجر به مجازات کنشگران می‌شود (همان: ۳). شدت حساسیت در مورد زنان مورد تعرض جنسی قرار گرفته و پیامدهای ناشی از آن، با همراهی سازمان‌های حمایتی در پشتیبانی از آنان برای مشاوره و پنهان نگه‌داشتن آن برای حفظ حریم شخصی قربانی و جلوگیری از خشونت بیشتر و واکنش‌های تند مانند جدایی بوده است^۴. از این‌رو گردآوری آمار خشونت علیه پناهندگان مشکل‌ساز بوده و ممکن است موجب دورماندن آنان از خدمات بهداشتی و حمایت‌های اجتماعی شود.

۵. یافته‌های تحقیقات

در زمان بلائیای طبیعی و بحران‌های اجتماعی، اوضاع برای زنان آشفته‌تر از پیش می‌شود؛ خشونت‌های درون خانواده تشدید شده و بیرون از حریم خصوصی خانواده نیز، بیم ناشی از بی‌سامانی، امنیت را از بین می‌برد. جوامعی که عمدتاً زیر کنترل مردان است به آنان اجازه می‌دهد تا به‌شدت و به هر شکلی با زنان برخورد کنند؛ بنابراین در یک تقسیم‌بندی کلی خشونت علیه زنان در زمان بلائیای طبیعی و بحران‌های اجتماعی به دو شکل گونه‌شناسی می‌شود: ۱- افزایش خشونت‌های خانگی ۲- وقوع خشونت‌های جنسی و جنسیتی بر علیه زنان. مطالعه گزارش‌ها در زمان بلائیای طبیعی و بحران‌های اجتماعی نشان می‌دهد خشونت

1. International Rescue Committee

2. Miller

۳. مطالعه گالگوسا (۲۰۱۰) در پرو نشان می‌دهد زنانی که بیشتر مورد خشونت جنگ داخلی قرار گرفتند به احتمال زیاد ضرب و شتم زنان توسط مردان را موجه می‌دانستند.

۴. مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۰/۴. مناطق زلزله زده سرپل ذهاب. غرب ایران. مواردی این‌چنین در زمان وقوع زلزله‌های رودبار و بم نیز به نقل قول از دیگران گزارش شده است.

علیه زنان در درون خانواده و مکان‌های همگانی افزایش یافته‌است. این خشونت‌ها ابعاد گسترده‌ای از سوءاستفاده افراد سودجو به دلیل خارج شدن اوضاع از حالت طبیعی گرفته تا ازدواج‌های زودهنگام و اجباری و افزایش خشونت در درون خانواده را در برمی‌گیرد. سوءاستفاده از زنان در این شرایط در گستره گسترده‌ای از افراد معمولی، در مواردی مقامات امنیتی و حتی فعالان سازمان‌ها و بنیادهای خیریه و بشردوستانه قرار می‌گیرد.

آنچه از گزارش‌های بین‌المللی و تحقیقات برمی‌آید اثرات جنگ و بلایای طبیعی بر زنان بر ۶ دسته قابل تقسیم است. پیامدهای چنین حوادثی از زمان وقوع تا پایان حادثه و حتی بازگشت اوضاع به حالت طبیعی است. پایان جنگ و طبیعی شدن اوضاع پس از بلایای طبیعی، همیشه برای زنان به معنی برگشت به زندگی عادی نیست. آسیب‌های جسمی و تعرض به آنان تا سالیان سال روح آنان را چنان آزرده می‌سازد که افزون بر همراه داشتن چنین کابوسی، رانده شدن به وسیله‌ی جامعه نیز، زخم‌های روحی آنان را ژرفای بیشتری می‌بخشد. رنجوری‌های جسمی ناشی از بیماری‌های خطرناک و دیگر پیامدها مانند نبود امنیت مالی، مشکلات زنان را شدت بیشتری می‌بخشد.

۵-۱. خشونت جنسی در مکان‌های عمومی علیه زنان در زمان بلایای طبیعی

پیامدهای بحران‌های طبیعی بسیارند. خسارت‌های مالی و جانی قربانیان شوک بزرگی است که یک‌باره زندگی آنان را در هم ریخته و جان عزیزانشان را گرفته‌است؛ اما پیامدهای چنین بحران‌هایی تنها به همین جا ختم نمی‌شود. ناامنی مکان‌های عمومی و حتی چادر و پناهگاه، هریک کمین‌گاه مردانی است که در زنان، کشش‌های زیبایی و جسمانی می‌جویند. ناتوانایی جسمی رویارویی با تعرض مردان، ترس از آشکار شدن و رسوایی‌های احتمالی، از عوامل زمینه‌ساز تجاوز به زنان است. گونه‌ای از خشونت، به شکل موردی که معمولاً به شکل پنهانی و کمین گرفتن انجام می‌شود. ممکن است با هدف تحقیر و یا تنها سرگرمی باشد. در چنین مواردی تعرض به زنان در بیشتر موارد پنهان می‌ماند. چنین خشونت‌هایی بیشتر در هنگام بلایای طبیعی دیده می‌شود، آنجا که ستیز و نبرد بین دو کشور وجود ندارد.

ویتمن و برمن معتقدند بلایای طبیعی دارای ابعاد ذاتاً اجتماعی در تشدید نابرابری موجود و مختل‌کننده هنجارها و نهادهای اجتماعی‌اند (ویتمن و برمن^۱، ۲۰۱۶: ۱۶۶). مطالعات کمیته شهری برنامه‌ریزی مدیریت اضطراری در مقدونیه^۲ (۲۰۱۶) نشان می‌دهد زمانی که نقش‌ها و هنجارهای جنسیتی در بین مردان و زنان بسیار قوی است بلایای

1. Weitzman & Behrman

2. Municipal Emergency Management Planning Committee

طبیعی نقش مهمی در خانواده و جامعه بازی می‌کند که موجب تشدید الگوهای موجود خشونت می‌شود (فریس، ۲۰۱۵: ۲۳). تأثیر عوامل طبیعی بر خشونت علیه زنان، در مناطق مختلف جهان به اثبات رسیده است (مطالعات فریس در لیبریا، نامیبیا و ساموا، بوسنی و هرزگوین، ۲۰۱۵: ۲۳ و ۲۹، در نیوزیلند، جنوب آسیا و هائیتی، آمریکای لاتین و کارائیب، ساموا، بوسنی و هرزگوین؛ السالوادور، رومانی (همان منبع: ۱۲۰).

مطالعه‌ای در نپال نشان داد پیامدهای زلزله برای زنان، به دلیل نبود امنیت در چادرهای اردوگاه، تجاوز به عنف و خشونت نسبت به زنان بوده (بنجت^۲، ۲۰۱۶) و اشکال دیگری از سوءاستفاده توسط خانواده‌های دختران مانند فروش دختران خود به قاچاقچیان و اجبار به ازدواج دختران ده ساله در زمان زلزله دیده شده است (بنجت، ۲۰۱۶). مطالعه‌ای دیگر در همین کشور نشان داده تأثیر زلزله و تشدید آسیب‌پذیری در زنان ازدواج نکرده، اقلیت‌های قومی، افراد زمین‌گیر و افراد سالخورده بیشتر است (بی‌تا، ۲۰۱۵). چنین وضعیتی در هائیتی نیز گزارش شده است: شواهد گویای آن است بخش قابل توجهی از قربانیان خشونت جنسی در هائیتی، کودکان (گومز و همکاران، ۲۰۰۹؛ سازمان ملل متحد، ۲۰۱۲ به نقل از مکلوگلین و کولی^۳، ۲۰۱۳: ۲). نبود امکانات بهداشتی، پناهگاه امن و گشت‌های پلیس در مناطق اردویی، امنیت دختران هائیتی را به خطر انداخته است (فائیدی دورمی^۴، ۲۰۱۲).

۵-۲. خشونت جنسیتی علیه زنان در زمان بلایای طبیعی

تشدید خشونت‌های جنسیتی علیه زنان در زمان پیامدهای بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی گستره متفاوتی از خشونت‌های جنسیتی است و تهدیدکننده امنیت آنان از سویی و کوچک‌شدن حریم شخصی و گاه از بین رفتن آن از سوی دیگر می‌شود. نبود احساس امنیت در زمان استفاده از سرویس‌های بهداشتی عمومی، گرمابه‌های عمومی، خشونت‌های کلامی و روانی، آزارهای کلامی از نوع متلک^۵ و انواع تهدید از جمله تهدید به تجاوز جنسی^۶، پیشنهاد برای رابطه جنسی، حتی مکان‌هایی که برای شست‌وشوی عمومی و پخت‌وپز استفاده می‌شود، از بین رفتن حریم شخصی با زندگی در چادرها به دلیل مراجعات پیاپی و گاه‌وبی‌گاه دیگران، افشای مکالمات روزمره در بین دیگر چادرها به دلیل نزدیکی به یکدیگر و

۱. همچنین مطالعات هستر و همکاران، ۲۰۰۷: ۲۳ در آفریقا؛

2. Bengts

3. Mcloughlin & Cooley

4. Faedi Duramy

۵. مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۰/۲۴. مناطق زلزله زده سرپل ذهاب. غرب ایران

۶. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۰/۲۴. مناطق زلزله زده سرپل ذهاب. غرب ایران

سهولت پخش صدا، از دیگر مسائلی است که زنان را در آن شرایط سخت آماده هر نوع تغییری می‌کند.^۱ این وضعیت برای خانواده‌های دارای فرزند دختران نوجوان بسیار سخت‌تر و مشکلات بیشتر بوده است. بسیار گزارش شده است که انجام کاری به تعویق افتاده و یا فرصت برای انجام کاری - تنها به دلیل نبود شخصی دیگر در چادر برای مراقبت از دختران - از دست رفته^۲؛ یا دختران مجبور به همراه شدن با خانواده برای تنها نماندن در چادر شده‌اند. در چنین مواقعی تابوها دست‌به‌کار شده و با سنگینی بر رفتار به‌ویژه زنان، آنان را مجبور به بر دوش کشیدن تمام رنج‌ها و پیامدهای پس از بلایای طبیعی می‌کند. سنگینی فشار چنین تابوهایی افزون بر آسیب‌های هنگام زلزله، مانند تخریب منازل، از دست رفتن زندگی و از دست دادن عزیزان گاه چنان کمر زنان را خمیده می‌کند که بازگشتی دیگر را ناممکن می‌سازد. در چنین بزنگاه‌هایی خشونت‌های دیگر در کمین زنان است. «بدون هیچ پشتوانه خانوادگی، دولتی و عمومی، گاه جدایی راهکاری است که از سوی همسرانشان به زنان دچار افسردگی و ناراحتی روحی، تحمیل می‌شود»^۳.

در مناطقی که سنت به‌شدت فرمانروایی می‌کند، زنانی که مجبور به ماندن در منزل هستند، چارچوبی سخت برای تنظیم مناسبات اجتماعی آنان سامان‌دهی می‌شود. بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی به‌منزله از میان برداشته‌شدن این حریم‌هاست برای مردانی که خود را آزاد از این چارچوب‌ها دیده و به‌راحتی هر نوع رفتاری با زنان را بر خود روا می‌بینند. پژوهش مالمر (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهد نبود امنیت در فضاهای عمومی موجب تهدید شهروندان در زمینه‌های مختلف شده است. حتی در خانواده‌هایی که زنان بدون اجازه شوهر حق بیرون آمدن را نداشته‌اند، با از بین رفتن حریم‌ها، پرده‌های شرم یکی پس از دیگری از میان برداشته می‌شود. در جامعه‌ای کاملاً مردسالار، این وضعیت برای زنان شوهر از دست داده، بسیار سخت‌تر است^۴. استفاده ابزاری از زنان در زمان توزیع کمک‌های مردمی با هدف ایجاد حس ترحم برای دستیابی زودتر به بسته‌های حمایتی، سایر آزارها و خشونت‌هایی که به وسیله‌ی دیگران در چنین مواقعی متوجه زنان می‌شود مانند لمس بدن، خشونت کلامی و فیزیکی^۵ از دیگر خشونت‌های جنسیتی رایج در زمان بلایای طبیعی

۱. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۰/۲۴ - مناطق زلزله زده سرپل ذهاب. غرب ایران

۲. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۲/۲. مناطق زلزله زده سرپل ذهاب. غرب ایران

۳. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۴. شواهد از قربانی دچار افسردگی مراجعه کننده به یکی از سازمان‌های کرمانشاه

۴. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۴. آزاد دارابی. مدیر کلینیک مددکاری اجتماعی یار. شهر کرمانشاه

۵. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۴. آزاد دارابی. مدیر کلینیک مددکاری اجتماعی یار. شهر کرمانشاه

خشونت‌ی است. نبود نگاه بایسته و لازم به زنان باردار حتی از سوی سازمان‌ها و نهادهای پشتیبان و اختصاص کانکس به خانواده‌ها به شرط بارداری در ماه آخر از دیگر موارد خشونت علیه زنان است که با سقط جنین‌های پی‌درپی زنان مناطق زلزله‌زده سرپل‌ذهاب و ثلاث‌باباجانی در غرب ایران همراه شده و آنان را در رویارویی با بیماری‌های جسمی نیز قرار داده است.^۱

۳-۵. خشونت زنان علیه هم‌جنسان خود

بار سختی‌هایی که زنان در زمان بلایای طبیعی به دوش می‌کشند آنان را در تنگناها و فشارهایی روحی قرار می‌دهد که گاه عرصه بر آنان تنگ شده و سنگینی خشونت‌ها و آزارها را با بروز خشونت بر هم‌نوعان خود روا می‌دارند. این قضیه در مواردی که زن از قدرت جسمی بیشتر و پشتوانه شبکه خویشاوندی قدرتمندی برخوردار بوده مصداق داشته است. خشونت فیزیکی زنان علیه همدیگر، واکنش به خشونت در ساختار خانواده است که در مکان‌های عمومی علیه هم‌نوعان ناتوان‌تر از خود گاه نمود پیدا کرده است.

۴-۵. خشونت‌های کلامی و روانی علیه زنان از سوی خانواده و بستگان نزدیک

افزون بر وجود فشارهای روانی، اقتصادی و اجتماعی بر زنان در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی «در خانواده‌هایی که کودکانشان در چنین بلایایی از دست رفته‌اند با سرزنش زن از جانب خود و تأیید دیگران برای مقصر دانستن او در کوتاهی از مراقبت از فرزند/فرزندان در زمان زلزله همراه می‌شود.»^۲ این مسئله سنگینی بار مشکلاتی که زنان درگیر بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی باید به دوش بکشند را نمایان می‌کند. در کنار این مشکلات، در یک جامعه مردسالار، آستانه تحمل پایین مردان، خود را بر سر زنان فرود می‌آورد؛ جایی که زنان را به‌ناچار به پذیرش آن نیز می‌نماید.

۵-۵. خشونت جنسی علیه زنان در زمان بحران‌های اجتماعی

گونه‌ای دیگر از خشونت که نه به شکل پنهان، بلکه آشکارا انجام گرفته و زنان یک قوم و یک ملت را در معرض تجاوزات خود قرار می‌دهد. «اصطلاح "خشونت جنسی ناشی از جنگ" اشاره به تجاوز جنسی، بردگی جنسی، فحش‌های اجباری، حاملگی اجباری، سقط جنین اجباری، عقیم‌سازی اجباری، ازدواج اجباری و هر شکل دیگری از خشونت جنسی که مستقیم یا غیرمستقیم در پیوند (ناپایدار از لحاظ جغرافیایی یا علی) در یک سرزمین درگیر

۱. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۲/۳ - مناطق زلزله زده سرپل ذهاب، غرب ایران

۲. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۴. آزاد دارابی، مدیر کلینیک مددکاری اجتماعی یار، شهر کرمانشاه

است» (سازمان ملل^۱، ۲۰۱۶). در طول تاریخ در بسیاری از فرهنگ‌ها زنان جزو دارایی‌های مردان شناخته شده‌اند و تجاوز به آنان، توهین به مردان محسوب می‌شود؛ بنابراین موارد بسیاری از تعرض‌های گسترده، در پس اهداف سیاسی قرار داشته و با هدف مجازات، تحقیر و توهین ملتها انجام گرفته است:

در دهه‌های اخیر، ماهیت جنگ‌های مسلحانه داخلی تغییر کرده و زنان به‌طور هدفمند در معرض سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. به‌شکلی که گروه‌های تندرو از خشونت علیه زنان به‌عنوان یک جنگ نامتقارن برای به‌دست‌آوردن مزایای استراتژیک و گسترش ایده‌های تندروانه استفاده کرده‌اند (زمفیر^۲، ۲۰۱۶: ۲). از آنجاکه تجاوز به زنان دشمن توهین بزرگی علیه اوست (لاویر^۳، ۲۰۱۵: ۱) از تجاوز جنسی به زنان و کودکان به‌عنوان یک سلاح استراتژیک کرده‌اند (کوینا تیل، ۲۰۱۲: ۲؛ حقوق انسانی و عدالت جنسی^۴، ۲۰۱۶: ۲). در زمان جنگ، تجاوز، به بخشی از جنگ با هدف تحقیر دشمن تبدیل شده است (کوینا تیل، ۲۰۱۲: ۲؛ فرح، ۲۰۱۵: ۱) برای بی‌ثبات کردن، مجازات و ترساندن مردم (میلر، بی‌تا: ۷۷؛ کوینا تیل، ۲۰۱۲: ۲)، پاک‌سازی قومی، نسل‌کشی و همچنین ابزاری برای تغییر توازن جمعیتی در یک جامعه ویژه (فرح، ۲۰۱۵: ۱) و به‌منظور ناتوان کردن روحیه، تحقیر، چیرگی و یا نابود کردن همه جوامع. به‌عنوان نمونه آنچه در جنگ بوسنی در سال ۱۹۹۲ و جنگ داخلی در رواندا در سال ۱۹۹۴ (بیتار^۵، ۲۰۱۵: ۵۳)، در رواندا و یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰ و در جامعه ایزدی در شمال عراق از سال ۲۰۱۴ (زمفیر، ۲۰۱۶: ۲) و جنگ هشت ساله ایران و عراق و تجاوز نیروهای نظامی عراقی به زنان مناطق مرزی در غرب و جنوب ایران اتفاق افتاد. جانسون معتقد است اعمال داعش و خشونت جنسی علیه زنان یک اثر استراتژیک داشته و می‌تواند به‌عنوان یک سلاح جنگی از نظر هدف قرار دادن جامعه ایزدی در نظر گرفته شود. مطالعات جانسون در عراق نشان می‌دهد خشونت داعش علیه زنان ایزدی شامل تجاوز به زنان و دختران و از جمله زنان سرشناس ایزدی و مبادله آنان به‌عنوان هدایا بوده است (جانسون^۶، ۲۰۱۵: ۲۸-۲۴). در هائیتی خشونت علیه زنان به‌عنوان یک شکل از "فشار سیاسی" استفاده شده است (کوراشی^۷، ۲۰۱۳: ۴۱). گزارشی در لیبیا (اومانیوندو^۸،

1. United Nations
2. Zamfir
3. Lawyer
4. Human Rights and Gender Justice
5. Bitar
6. Johansson
7. Qurashi
8. Omanyondo

۲۰۰۵ به نقل از جونز^۱ و همکاران، ۲۰۱۴: ۲ و کراوس و اسمیت^۲، ۲۰۱۳: ۱۲) نشان می‌دهد ۶۱ تا ۷۷ درصد زنان در طول جنگ تجربه خشونت جنسی داشته و بسیاری در درگیری‌های مسلحانه خشونت متفاوتی را تجربه می‌کنند.

۵-۶. خشونت جنسی علیه زنان در زمان بحران‌های اجتماعی در بین مهاجرین جنگی
حملات و آسیب‌های ناشی از جنگ‌ها تنها از به هم خوردن اوضاع کشور اصلی ناشی نمی‌شود. مهاجرت به کشورهای دیگر که با امید به گشودن دریچه‌ای نو در زندگی انجام گرفته و قرار است نوسندارویی بر زخم‌های آنان باشد خود زمینه‌ای برای خشونت‌های جنسی علیه زنان می‌شود و عرصه کشورهای همسایه نیز جولانگاه تاخت‌وتاز مردانی است که این پدیده را پیش‌آمدی عرضه شده، می‌بینند. گزارش‌ها در میان کشورهای درگیر جنگ داخلی مانند عراق، اردن و سوریه، تأثیرات منفی جنگ بر خشونت علیه زنان را به اثبات رسانده‌اند. شواهد خشونت جنسیتی نشان می‌دهد خطر قرار گرفتن در معرض خشونت مبتنی بر جنسیت برای زنان سوریه و دختران نوجوان از زمان جنگ شدت یافته است. در مواردی که مهاجران به اجبار به کشورهای دیگر پناه می‌برند با آسیب‌ها و تهدیداتی این‌چنین روبرویند. ناامنی در اردوگاه‌ها و چادرها، آنان را همواره در معرض چنین تعرضاتی قرار می‌دهد. این در حالی است که نبود امنیت غذایی نیز، دستاویزی دیگر برای سوءاستفاده است.

گزارش‌ها نشان می‌دهد زنان پناهنده هرچند از مهلکه جنگ گریخته باشند اما در جاهای دیگر ممکن است امنیت نداشته و نسبت به هر گروه دیگر از زنان در جهان بیشتر تحت تأثیر خشونت، تجاوز جنسی و یا سایر اشکال خشونت جنسی باشند (پروژه زنان آسیب‌پذیر^۳، ۲۰۰۹ به نقل از میلر، بی‌تا: ۷۷). خشونت خانگی مردم بومی، نسبت به مهاجرین در کشورهای همسایه از قبیل ترکیه، اردن و عراق که در آن آوارگان بدون مسکن و حریم خصوصی در چادرها به سر می‌برند بیشتر شده‌است. برخی مطالعات حکایت از آن دارد برخی از زنان در نقاط بازرسی نظامی دولت، مورد آزار و اذیت قرار گرفته اند فقط به این دلیل که آنها به بستگان افراد تحت تعقیب یا به مناطق تحت شورش تعلق دارند(گزارش سازمان های مردم نهاد^۴، ۲۰۱۶: ۱۲). گزارش‌های مکرر از سوریه در مورد بازداشت خودسرانه، سوء استفاده جسمی و خشونت جنسی به‌ثبت‌رسیده‌است(گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد، ۲۰۱۶: ۱۳). نتایج تحقیقات درباره زنان سوریه درگیر جنگ داخلی

1. Jones et al.

2. Krause & Schmidt

3. Vulnerable Women's Project 2009

4. NGO Summary Report

نشان می‌دهد ۷۰ درصد آنان خارج از کمپ‌های فعال در مناطق شهری یا روستایی در راه رفتن به مدرسه، فروشگاه، توالت و یا جاهای دیگر تهدید شده و مورد آزار و حمله قرار گرفته‌اند. ۶۰ درصد زنان احساس ناامنی داشته‌اند. در طول سال گذشته در اردن و لبنان بیش از ۷۰ درصد خشونت گزارش شده، در خانه پناهندگان اتفاق افتاده است (کمیته نجات بین‌المللی، ۲۰۱۴: ۱۹) گزارش‌ها در سومالی نیز از تجارب زنان از خشونت و ناامنی حکایت دارد. این خشونت‌ها گاه از جانب فعالان سازمان‌های بشردوستانه نیز بوده است (همان: ۷۸). این در حالی است مدیریت بالینی خدمات تجاوز به زنان و دختران سوریه به شدت محدود و از کیفیت پایین برخوردار است و تنها گزینه‌های چندی برای کمک به بازماندگان ارائه می‌شود (کمیته بین‌المللی نجات، ۲۰۱۴: ۳۰).

۵-۷. افزایش ازدواج‌های اجباری و زود هنگام

از جمله اثرات جنگ‌ها و بلایای طبیعی بر زنان، افزایش ازدواج‌های زود هنگام دختران است. هرچند ازدواج‌های اجباری و زود هنگام تنها به چنین اوضاعی محدود نمی‌شود و در همه حال متوجه زنان از کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه است اما این وضعیت در دوران جنگ از شدت بیشتری برخوردار است. نبود امنیت در چنین اوضاعی موجب می‌شود پدران، سرنوشت دختران خود را به مردانی بسیار بزرگ‌تر از دختران - به امید تأمین امنیت آنان و گاه برای فرار از فراهم‌آوری غذای آنان - بسپارند.

یک مطالعه تحقیقاتی سه ساله، در بنگلادش در زمینه تغییرات آب و هوایی و خشکسالی، نشان داد خانواده‌های کشاورز که با فقر مالی و مشکلات اقتصادی مواجه می‌شوند دشواری‌هایی برای خانواده‌ها جهت فراهم‌آوری جهیزه داشته‌اند؛ این امر موجب ازدواج‌های اجباری کودکان به دلیل امکان تهیه جهیزه ارزان‌تر می‌شود (آلستون و همکاران^۱، ۲۰۱۴)؛ این در حالی است که دختران مناطق روستایی، محروم‌تر هستند و از عواقب ازدواج زود هنگام رنج می‌برند (موتگان^۲، ۲۰۱۴). در کنیا بسیاری از دختران نوجوان خانواده‌های فقیر، ازدواج زود هنگام را راهی برای محافظت از آنان پس از بلایای طبیعی دانسته‌اند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر دریافته است یکی از عواملی که به ازدواج کودکان با مردان مسن‌تر در کنیا و جاهای دیگر منجر می‌شود قحطی و زلزله است (فریس، ۲۰۱۵: ۲۴). مطالعات نشان می‌دهد ازدواج اجباری در سریلانکا پس از سونامی سال ۲۰۰۴ امری عادی بوده است (فریس، ۲۰۱۵: ۲۴-۲۵). مطالعات لان در اردوگاه‌های پناهندگان سوریه در

1. Alsto et al.

2. Mutgan

اردن، اربیل عراق، لبنان، مصر و ترکیه نشان می‌دهد ازدواج کودکان و اجبار به ازدواج با مردان مسن‌تر افزایش داشته و در مواردی دو برابر شده است. دلایلی هست که چرا خانواده به ازدواج کودکان و دختران خود امیدوار است. اتکا به منابع مالی، نبود فرصت‌های اقتصادی و نیاز به حفاظت از دخترانشان در مقابل خشونت‌های جنسی، بهترین راه را در ازدواج آن‌ها می‌بیند (لان، ۲۰۱۴: ۲). مواردی از ازدواج‌های اجباری زنان در مناطق زلزله‌زده بم در ایران نیز در مطالعه کمال‌الدینی و ازکیا (۱۳۹۷) گزارش شده است. هرچند وقوع ازدواج اجباری و زودهنگام دختر بچه‌ها در مناطق سنتی ایران و با شدت بیشتر در جنوب ایران به شدت رایج است اما در چنین مواقعی به دلایل گفته‌شده، آمار ازدواج کودکان بالا می‌رود.

۵-۸. تشدید خشونت در درون خانواده

مرور جنگ‌ها نشان می‌دهد زنان بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی در معرض خشونت در درون خانواده مردان قرار می‌گیرند. این خشونت‌ها گستره گسترده‌ای از خشونت‌های فیزیکی تا واداشتن به ازدواج اجباری دختران کم‌سال به دلایلی مانند رهایی از فقر یا فراهم‌آوری امنیت بیشتر دختران بوده است. گزارش‌ها از وضعیت خانواده‌های جنگ‌زده دلالت بر تشدید خشونت‌های جسمی و روحی در درون خانواده دارد و حتی آسیب‌های روحی برای سایر اعضای خانواده - ناشی از مشاهده تعرض به زنان و دخترانشان - به همراه داشته است:

شواهد نشان می‌دهد خشونت خانگی حتی پس از جنگ نیز تشدید می‌شود (پروژه زنان آسیب‌پذیر، ۲۰۰۹ به نقل از میلر، بی‌تا). از نظر زنان سوری، افزایش خشونت‌های جسمی و روحی، از جانب شوهران در زمان فرار از سوریه، ناشی از مشکلات روحی و روانی، بر اثر جنگ و استرس پناهندگی گرفتن است. مردانی که بی‌بهره از حریم خصوصی برای برقراری روابط جنسی هستند نسبت به همسران خود خشونت اعمال کرده‌اند. احساس ناامیدی در مورد آینده و نگرانی‌های دائمی برای تأمین نیازهای اساسی خانواده و نبود فرصت‌های شغلی برای مردان موجب ماندگاری خشونت می‌شود. این خشونت در بیشتر موارد به کودکان هم منتقل شده است (کمیته نجات بین‌المللی، ۲۰۱۴: ۱۹). دیگر مطالعات در یوگسلاوی نشان می‌دهد در جوامع نظامی، پس از جنگ، بیکاری مردان، منجر به خشونت جنسیتی در زمان جنگ و به افزایش داخلی خشونت در طول جنگ و پس از آن می‌شود^۱ (کاکبرن ۲۰۱۳، کوراک ۱۹۹۶، نیکولیچ و ریستانوویچ^۱، ۲۰۰۰ به نقل از

۱. سایر مطالعات پیش‌تر انجام شده نشان می‌دهد ازدواج اجباری با شیوع درگیری و جنگ داخلی و سطوح پایین‌تر توسعه، سواد و اشتغال، شیوع بیشتری می‌یابد (لیوسی و همکاران، ۲۰۰۱: ۱۳). آزار و اذیت روانی و یا فیزیکی، اثرات روانی خشونت، در کشورهای در

بانفیگلیولی^۲، ۲۰۱۵: ۵۷). اعضای خانواده نیز در معرض خطر قابل توجهی از آسیب روانی هستند که متأثر از تماشای خشونت و ناتوانی از محافظت از قربانی است (جونز و همکاران، ۲۰۱۴: ۳). این آسیب‌ها در مواردی ناشی از اجبار آن‌ها به تجاوز به اعضای خانواده است^۳ (دانشگاه هاروارد، ۲۰۱۰، به نقل از جونز و همکاران، ۲۰۱۴: ۳) و بیماری‌های جسمی و روحی را در زنان آسیب‌دیده افزایش داده‌است. یافته‌های مطالعه ویتمن و برمن ۲۰۱۶: ۱۶۶) در هائیتی گویای گسترش احتمال IPV جنسی پس از فاجعه است که به‌طور قابل توجهی با تغییرات در عملکرد خانواده، اقتصاد خانواده و دسترسی زنان به شبکه‌های اجتماعی همراه بوده است.

۵-۹. پیامدهای اجتماعی خشونت جنسی علیه زنان

پیامدهای ارزشی- اخلاقی و عرفی و قانونی چنین خشونت‌هایی برای همیشه گریبان‌گیر زنان است. در جریان جنگ هشت ساله بین ایران و عراق و پس از حمله عراق به مناطق مرزی غرب و جنوب غربی ایران و تجاوز به زنان این مناطق، خانواده‌های آنان از این مناطق برای همیشه و حتی با پایان یافتن جنگ مهاجرت کردند. برخی از ادیان آفریقایی ادعای کنند که یک زن مورد تجاوز قرار گرفته، کثیف یا به نحوی معیوب است. از این منظر، ننگ اجتماعی ناشی از تجاوز جنسی شدید ایجاد می‌شود (میلر، بی‌تا: ۷۸). این زنان برای ازدواج نامناسب فرض می‌شوند در برخی موارد جدا شده یا کشته می‌شوند (حقوق انسانی و عدالت جنسی، ۲۰۱۶: ۲). در ساحل عاج زنان توسط اعضای خانواده رد شده‌اند زیرا "خراب" و "ناسپاس" شده‌اند (کوراشی، ۲۰۱۳: ۴۱)؛ بنابراین نه تنها باید رنج اجتماعی ناشی از گوشه‌گیری را تحمل کنند بلکه بیماری‌های پدید آمده را نیز بپذیرند (براون، ۲۰۱۲: ۳۴).

حال جنگ ممکن است وجود داشته باشد (بولینگ و همکاران، بی‌تا). محققان تاکید کرده‌اند در یوگسلاوی، تاثیر منفی جنگ و نظامی‌گری بر روابط جنسی، با تاکید بر روند جنسیتی سنت‌گرای دوباره و تأیید مجدد ارزش‌های پدرسالارانه، توسط ناسیونالیست گفتمان و درگیری‌های خشونت‌آمیز تحریک شده است (ایوکوکیچ، ماستو، ۲۰۰۲، پانیک، ۱۹۹۴ و ۱۹۹۹، زارکو، ۲۰۰۷).

1. Cockburn et al.

2. Bonfiglioli

۳. دیگر مطالعات در زمینه خشونت‌های جنسی در جنگ‌ها از این قرار است: اثرات جنگ داخلی ممکن است نه تنها بر نسل‌های درگیر در جنگ بلکه بر روی نسل‌های آینده نیز تاثیر بلندمدت داشته باشد. در طول جنگ داخلی گواتمالا قبل از سال ۱۹۹۶، خشونت جنسی به‌طور گسترده‌ای در جنگ رایج بوده است. یکی دیگر از نتایج خشونت بلندمدت جنگ در گواتمالا بالا بودن شمار زنان بیوه بوده است. بسیاری از آنان بی‌بضاعت و به‌ویژه در جرایمی مانند تجاوز جنسی آسیب‌پذیر بوده‌اند. این گزارش نشان می‌دهد گواتمالا یک منبع و ترانزیت برای زنان و کودکان برای بهره‌برداری جنسی به‌شمار می‌رود (مؤسسه اجتماع و جنسیت ۳، ۲۰۰۸: ۲۳). مطالعه کالونداکانیاما (۲۰۱۰) نشان می‌دهد در جمهوری دموکراتیک کنگو شیوع HIV در مناطق آسیب‌دیده از جنگ شیوع بالاتری داشته‌است. تأثیر خشونت جنسی در مناطق جنگ‌زده ۵۵ برابر بیشتر از متوسط است. در درگیری‌های مسلحانه بسیار خشونت‌آمیز در تعدادی از کشورهای آفریقایی زنان و دختران به شکل وحشیانه مورد تجاوز قرار گرفتند (نولن ۲۰۰۵، ص. ۵۶ به نقل از فارز، ۲۰۱۰).

مطالعه‌ای در سال ۲۰۱۳ نشان داد که زنان در سوریه به‌طور فزاینده‌ای مجبور به ازدواج پس از تجاوز برای پرهیز از قتل‌های ناموسی بودند (حقوق انسانی و عدالت جنسی، ۲۰۱۶: ۴). این در حالی است که بیشتر متجاوزین رابطه خویشاوندی با زنان داشته‌اند. در تحقیقاتی دیگر یگ‌های سوری تخمین زده‌اند که بیش از ۱۰۰،۰۰۰ زن ازدواج کرده‌اند با مردانی عمدتاً از کشورهای همسایه. این کودکان از زنان سوری و پدران غیر سوری اگر در کنسول‌گری‌های خارجی ثبت‌نام نکنند نمی‌توانند شهروندی پدران خود را به‌دست‌آورند بنابراین، با اثرات نامطلوب از وضعیت بی‌خانمانی، از جمله محرومیت مدنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی روبرو هستند (همان: ۶). نمونه‌هایی از اقدام به خودکشی در بین جامعه ایزدی‌ها به‌دلیل ترس از اقدامات داعش صورت گرفته است (جانسون، ۲۰۱۵: ۲۸).

۵-۱۰. زندگی زنان پس از جنگ و بلائیای طبیعی

ترس ناشی از پیامدهای جنگ همواره از نگرانی‌های زنان است. گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد و کمیساریای عالی پناهندگان (۲۰۱۶: ۲۰۱۳) گویای آن است پناهندگان سوری و عراقی در تبعید افزون‌بر فقر اقتصادی، با وخامت اوضاع در بازگشت به کشور روبرو هستند. زنان از نبود یک نان‌آور رنج می‌برند و با توجه به سنت‌های مردسالارانه با افزایش ناامنی روبرو هستند. این عوامل موجب می‌شود بیشتر به لحاظ فیزیکی و بهره‌کشی جنسی آسیب‌پذیر باشند (گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد، ۲۰۱۶: ۲۰۱۳). گزارش‌ها از وضعیت زنان و دختران هائیتی پس از زلزله نشان می‌دهد کلیشه‌های جنسیتی و تبعیض علیه زنان، وابستگی اقتصادی زنان، فقر، آوارگی و شرایط بد در میان افراد آواره، میراث خشونت به رهبری دولت، فرهنگ معافیت از مجازات و گنجایش ناتوان سیستم عدلیه دولت بر خشونت علیه زنان و دختران موثرند (گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد، ۲۰۱۶: ۲۰۱۳: ۲).

پیامدهایی از این دست در برخی مطالعات داخلی نیز گزارش شده است. آنچه که تحقیقات سلطانی‌نژاد و برشان (۱۳۹۷) در زمینه آسیب‌پذیری زنان مناطق زلزله‌زده‌های ورزقان و اهر نشان می‌دهد میزان صدمات و آسیب‌های وارده بر زنان زیاد است؛ به‌گونه‌ای که افزون بر مرگ‌ومیر بالا، مشکلاتی مانند نبود امنیت اجتماعی، بی‌اعتمادی نسبت به اجتماع و بیگانگی اجتماعی دارند^۱. مطالعه سلیمی، فروپاشی ناگهانی زندگی و ناامیدی و تجربه مدام بی‌پناهی

۱. در لیبریا دختران و زنان جوان برای تأمین درآمد خانوار، خواسته‌های برخی از فعالان سازمان‌های بشردوستانه را تحمل کرده‌اند (مونالا، بی‌تا: ۳۶ و گالگوسا، ۲۰۱۰).

۲. یافته‌های مطالعات پیش‌تر انجام شده در برخی مناطق زلزله‌زده ایران از این قرار است: وضعیت زنان پس از بلائیای طبیعی و بحران‌های اجتماعی به نامنی محدود نشده و آسیب‌های روانی نیز از مشکلاتی است که زنان به نسبت مردان، بیشتر با آن مواجه هستند. سیستم‌های و همکاران (۱۳۸۴) از وضعیت روحی و روانی پرستاران آسیب‌دیده در زلزله بم، نشان داده است از لحاظ وضعیت

و استرس را به‌عنوان یکی از پیامدهای زلزله سرپل ذهاب می‌داند که مشکلات متعدد ایجاد شده برای زنان، آنان را در مواجهه با تصمیم به مهاجرت (موقت - دائمی) و تصمیم به خودکشی ناشی از فروپاشی ناگهانی زندگی قرار داده است. در مطالعه‌ای دیگر در ایران، بهمن‌جنبه و همکاران (۱۳۹۶) بر وجود نیازهای اصلی زنان سنین باروری تأکید کرده و نشان می‌دهد وقوع حادثه موجب تشدید درگیری‌های روزمره زندگی و بار سنگین مسؤولیتی بر دوش آنان شده و تأثیرات مخربی بر روی برخی جنبه‌های سلامت باروری زنان به‌ویژه زنان باردار در حال زایمان و شیرده داشته است. زنان به‌دلیل شرایط ویژه خود و تابوها و بازدارنده‌های فرهنگی حاکم بر جامعه متفاوت از مردان از حادثه دل‌آزرده شده‌اند.

یکی از دیگر مسائل پیش‌روی زنان، بروز اختلالات رفتاری به‌ویژه در بین زنان باردار است. در حقیقت، افسردگی پس از زایمان - که در شرایط عادی در بین زنان شایع است - در زمان وقوع چنین بلایی تشدید شده و به همراه دیگر مخاطرات، تهدیدها و ناامنی‌ها، آنان را در معرض شرایط شدیدتر و حادثه‌تری از افسردگی قرار می‌دهد. براساس تحقیقات، میزان اضطراب و افسردگی در این مناطق هم از دید ژرفا و هم کمیت در بین زنان به نسبت مردان بیشتر بوده است؛ شاید به این دلیل که مردان با مناسبات اجتماعی امکان برون‌ریزی احساساتشان را داشته‌اند در حالی که زنان از چنین امکانی بی‌بهره بوده‌اند.

۶. اقدامات و تلاش‌های صورت گرفته در زمینه مبارزه با خشونت علیه زنان در زمان جنگ و بلایای طبیعی

با توجه به پیامدهای خشونت علیه زنان که افزون بر اینکه دامن زنان، کودکان و خانواده‌ها را گرفته و هزینه‌های زیادی را برای دولت‌ها به همراه دارد در زمره تلاش‌های بشردوستانه به‌ویژه در دهه‌های اخیر قرار گرفته است. از این‌رو در همه کشورها برای مبارزه با آن و کاهش صدمات وارده، حتی در زمان بحران‌ها، تلاش‌هایی انجام می‌گیرد:

۱-۶. تلاش برای بازگشت به زندگی طبیعی توسط آسیب‌دیدگان و به‌ویژه زنان

در کنار تمامی مشکلاتی که در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی متوجه زنان است بیشترین تلاش برای بازگشت به زندگی عادی و سازگاری با اوضاع، از جانب خود آنان صورت می‌گیرد. از جمله این تلاش‌ها، (اقدام به فرزندآوری^۱) است که در خانواده‌های فرزند

سلامت عمومی، ۳۸/۴ درصد از گروه پرستاران در وضعیت تا حدودی نامطلوب به سر می‌برند. در مطالعه حسینیان و خدابخشی کولانی (۱۳۸۲) زنان آسیب دیده در مناطق زلزله زده بم، سلامت روانی اندکی نسبت به مردان داشته‌اند.

۱. مصاحبه ۱۳۹۶/۱۲/۱۵. فاضل‌الیاسی. مدیر دفتر انجمن جامعه‌شناسی شعبه سرپل ذهاب

از دست داده، تلاشی است که علاوه بر به فراموشی سپردن وقایع تلخ، با هدف بازگرداندن انسجام خانواده صورت گرفته است.

در جامعه‌های سنتی به‌ویژه جوامعی که ارزش‌ها و اعتقادات نسبت به شبکه خویشاوندی نقش قوی بازی می‌کند نگهداری از فرزندان که پدر و مادر از بین رفته‌اند به‌شدت و با تعصبات خاص رعایت می‌شود. این مسئله در جامعه ایران، به شکل نمایانی در بین تمام خانواده‌ها دیده می‌شود؛ بدون اینکه به نهادهای دولتی و عمومی متولی سرپرستی کودکان بی‌سرپرست سپرده شود. گزارش‌ها از مناطقی که تجاری از زلزله (رودبار، بم و سرپل ذهاب) داشته‌اند و همچنین جنگ هشت ساله بین ایران و عراق، در این زمینه وجود دارد.

۲-۶. تغییر نگرش و نقش رهبران مذهبی و فرهنگی

با توجه به چیره‌گی مردسالاری در بسیاری کشورها، تغییر نگرش از عوامل مهمی است که کارساز است. یونیسف (۲۰۰۰) اعلام کرد با پرداختن به علل خشونت و به چالش کشیدن هنجارهای فرهنگی و تغییر نگرش می‌توان از خشونت علیه زنان جلوگیری کرد (یونیسف به نقل از تانکی سنلت، ۲۰۱۲: ۲۰۲). نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد (۲۰۱۶) گزارش می‌کند پس از زلزله ویرانگر هائیتی در سال ۲۰۱۰، شماری از سازمان‌های مردمی، شروع به اقداماتی برای آگاهی زنان و تغییرات فرهنگی و حقوقی لازم در جهت بهبود زندگی زنان و دختران هائیتی در درازمدت نمودند. محققان معتقدند «رهبران سنتی، به‌عنوان متولیان فرهنگ، می‌توانند نقش مهمی در بالا بردن سطح آگاهی از خشونت در جوامع خود داشته باشند» (فریس، ۲۰۱۵: ۲۹). فتوای رهبران جامعه ایزدی‌ها در عراق در حمایت از زنان مورد تجاوز قرار گرفته به‌جای راندن آنان (بیتار، ۲۰۱۵: ۵۸) از این نمونه است.

روی دیگر تغییر نگرش جامعه را باید از این منظر نگریست که در زمان بلائی طبیعی، نگرش‌های مردسالارانه- به‌عنوان نمونه مناطق زلزله‌زده غرب ایران- همچنان حاکم است. در این مناطق، پس از وقوع زلزله، وظایف مرد به برپایی چادر و حفاظت از حریم خصوصی خانواده محدود می‌شود. هرچند برای نگهداشت این حریم، زنان نیز با مردان همراه می‌شوند اما دیگر وظایف یک خانواده بر عهده زنان باقی می‌ماند^۲. در زمان‌های عادی این امر ممکن است طبیعی به نظر برسد اما در شرایطی که بلائی طبیعی و بحران‌های اجتماعی رخ می‌دهد نیازمند کمرنگ شدن ارزش‌های مردسالارانه و همراهی بیشتر زن و مرد است.

1. UN Peacekeepers

۲. مصاحبه‌های میدانی، ۱۵ و ۱۶ آذر ۱۳۹۶

۳-۶. توانمندسازی زنان

اسکات (۲۰۱۱: ۷۴۶) معتقد است اگر زن دارای سطح بالایی از توانمندی باشد خشونت علیه زنان کم خواهد بود. دستیابی به قدرت را می‌توان از منابعی به‌دست آورد همانند تحصیلات (آموزش و درآمد بالا). منابع در جامعه و در خانواده تعیین‌کننده روابط قدرت در آن جامعه و در خانواده است (بشیر^۱، ۲۰۱۲: ۱۴). کامر^۲ به برگزاری موفقیت‌آمیز کارگاه‌های آموزشی با هدف توانمندسازی زنان در مقابل خشونت خانگی و مهارت‌های مؤثر برای ارتباط اقدام کرد (یسیم و آلتمی^۳، ۲۰۱۵: ۱۴) نظام عدالت کیفری معتقد است در جامعه ویکتوریا، بهبود دسترسی به عدالت و مراقبت‌های بهداشتی، منجر به پشتیبانی بیشتر و نگهداری بازماندگان و فرزندان آنها شده است (جورج و بریجت، ۲۰۱۴). محققان معتقدند رهبران سنتی، به‌عنوان متولیان فرهنگ، می‌توانند نقش مهمی در بالا بردن سطح آگاهی از خشونت در جوامع خود داشته باشند (فریس، ۲۰۱۵: ۲۹). مطالعات در عراق نشان می‌دهد پیشبرد حقوق بشر با حمایت از کار زنان و فعالان حقوق بشر، یک پیشبرنده بایسته برای صلح پایدار است (حمایت از حقوق زنان^۴، ۲۰۱۴: ۷۸). گزارش کمیته بین‌المللی نجات، در زمینه اقدامات بین‌المللی با هدف فراهم‌آوری منافع زنان و دخترانی که تحت تأثیر جنگ قرار گرفته‌اند تنظیم شده است. هدف اصلی از این مصاحبه‌ها و گروه‌های متمرکز، درک چالش‌های پیش روی زنان و دختران آواره در منطقه، چگونگی مدیریت چالش‌ها و مقابله با آنها است (کمیته بین‌المللی نجات، ۲۰۱۴). نمونه مشابه از این دست در بررسی توانمندی‌ها و نیازهای زنان زلزله‌زده در جنوب ایران در شهر بم است (پارسی‌زاده و اسکندری، ۱۳۹۲). تشویق زنان به مشارکت زنان در تصمیم‌گیری به‌ویژه در دوره پس از جنگ و روند صلح که به آنان اجازه می‌دهند که تصمیم‌گیرنده باشند و نه تنها قربانیان جنگ (فرح، ۲۰۱۵: ۳) از تلاش‌های سازمان ملل است. مخاطب بخشی از توانمندسازی‌ها، تمام آوارگان جنگی بوده‌اند. در سال ۲۰۱۶ دولت اردن جابجایی تعداد ثابتی از آوارگان سوری در بازار کار را پذیرفت مشروط بر اینکه دسترسی بهتری به بازارهای اروپایی برای سرمایه‌گذاری بیشتر داشته باشد (جان^۵، ۲۰۱۶: ۱۲۳-۱۲۲).

1. Bashiru

2. KAMER

3. Yeşim, Altınay

4. Iraqi women Confronting ISIL

The context of Conflict, 2014, as Iraq was undergoing a steady rise in sectarian violence

5. Jahan

وقوع زلزله سال ۱۳۹۶ غرب ایران و سیل فروردین ۱۳۹۸ در غرب و شمال ایران (لرستان و گلستان) اقداماتی در راستای توانمندسازی زنان این مناطق به همراه داشت. از جمله این تلاش‌ها، شناسایی زنان زلزله‌زده سرپرست خانوار برای بهره‌مندی از خدمات بهداشتی^۱، حضور مددکاران اجتماعی از مناطق مختلف کشور به مناطق زلزله‌زده غرب ایران^۲، کارگاه‌های آموزشی مقدماتی مهارت‌های گفتگو (براساس توافق‌نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران و معاونت ریاست جمهوری در امور خانواده)^۳، اجرای طرح تاب‌آوری زنان جوامع محلی با تمرکز بر بانوان مناطق سیل‌زده استان لرستان با هدف چگونگی مواجهه خردمندان با بحران‌ها و نگاهداشت بنیاد خانواده^۴، طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در مناطق سیل‌زده لرستان^۵، برگزاری دوره‌های آموزش مهارتی برای زنان در مناطق سیل‌زده گلستان^۶ است.

۴-۶. راه‌اندازی کمپین‌ها و تلاش‌های علمی و مدنی

از دیگر تلاش‌های انجام شده، راه‌اندازی کمپین‌ها در سطح جامعه است. کمپین جهانی روبان سفید^۷ (مطالعات ایالت نیویورک^۸، ۲۰۱۲: ۱۳)، کمپین سازمان ملل برای محو خشونت علیه زنان با شعار «جهان نارنجی در ۱۶ روز» (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۶) برگزاری کنفرانس بین‌المللی زنان و جنگ با تمرکز بر تجربیات متنوع زنان در طول جنگ و نحوه پیشرفت پایدار به سوی صلح و امنیت بین‌المللی (زنان و جنگ، ۲۰۱۰ سازمان ملل، مؤسسه صلح)، کمپین جامعه‌شناسی فاجعه در مناطق زلزله‌زده غرب ایران و مشاوره است.

۵-۶. تصویب قوانین و قطعنامه‌های بین‌المللی

در سال ۱۸۶۳ ایالات متحده آمریکا برای نخستین بار یک قانون نظامی به نام "قانون لیبر" برای تجاوز به عنف تصویب کرد و مجازات آن را اعدام اعلام کرد. اعلامیه رهبران G8 و وزرای خارجه در مورد نقش زنان در صلح و امنیت بین‌المللی و از جمله پیشگیری از خشونت جنسی در جنگ (SVC) در سال ۲۰۱۲ و اعلامیه وزرای خارجه G8 در مورد پیشگیری از خشونت جنسی در جنگ نیز از جمله تلاش‌هایی است که بر پایان‌دادن به گسترش

۱. روزنامه عصر مردم، دوشنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۶، سال بیست و دوم، شماره ۶۲۲۹

۲. روزنامه سراسری سایه، ۲۰ آذر ۱۳۹۶، کد خبر: ۱۰۴۸۸۹

۳. کانال تلگرامی تحقیقات میدانی. مناطق زلزله زده. فاضل الیاسی

۴. خبرگزاری تسنیم، ۴ اردیبهشت ۱۳۹۸

۵. خبرگزاری شبستان، ۳۱ تیر ۱۳۹۸، به نقل از مدیر کل امور بانوان و خانواده استانداری لرستان

۶. خبرگزاری تسنیم، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۸

7. <http://www.whiteribbon.ca>

8. Stop Sexual Violence

خشونت‌های جنسی منظم و گسترده در جنگ‌های مسلحانه تأکید شده است (گزارش G7 و G8 در جلوگیری از خشونت جنسی در جنگ، ۲۰۱۵). قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل تأکیدی کند خشونت جنسی علیه زنان به عنوان تاکتیک ترور، به طور قابل توجهی موجب تشدید شرایط درگیری‌های مسلحانه شده و مانع استقرار صلح و امنیت بین‌المللی است و شرکت زنان برای مبارزه با تروریسم ضرورت دارد (زمفیر، ۲۰۱۶: ۹).

از تلاش‌ها در سطح بین‌المللی برای مجازات جنایات جنگی علیه زنان و پشتیبانی از آنان می‌توان به این موارد اشاره کرد: کنوانسیون سال ۱۹۴۹ و دو پروتکل اضافی در سال ۱۹۷۷ در ژنو، فرج، ۲۰۱۵: ۲، کنوانسیون CEDAW و پکن (همان: ۳-۲). قطعنامه‌های زنان و صلح سازمان ملل شامل ۱۸۲۰ مصوب ۲۰۰۸، قطعنامه ۱۸۸۸ مصوب ۲۰۰۹، قطعنامه ۱۸۸۹ مصوب ۲۰۰۹، قطعنامه ۱۹۶۰ مصوب ۲۰۱۰، قطعنامه‌های UNSCR 1325 مصوب ۲۰۰۰ و UNSCR 2106 مصوب ۲۰۱۳ از (همان: ۳). قطعنامه‌های بعدی، از جمله قطعنامه ۱۸۲۰ که بر خشونت جنسی در جنگ تمرکز دارد و قطعنامه‌های ۱۸۸۸ و ۱۸۸۹ که بر حفظ صلح و ثبات تمرکز دارد و مشارکت زنان در روند صلح را به رسمیت می‌شناسد (کنرسیوم ایرلند در مورد خشونت مبتنی بر جنسیت^۱، ۲۰۱۶: ۱۱). دادگاه کیفری بین‌المللی خشونت جنسی در جنایات بین‌المللی، ایجاد دو دادگاه ویژه: دادگاه بین‌المللی کیفری پیشین یوگسلاوی (ICTY) در ماه مه ۱۹۹۳ و دادگاه بین‌المللی جنایی برای رواندا (ICTR) در نوامبر ۱۹۹۴، (همان: ۳). از جمله مهم‌ترین موارد اقدامات پیشگیرانه برای جلوگیری از خشونت علیه زنان شامل بیانیه ۱۹۹۳ در مورد حذف خشونت علیه زنان؛ بیانیه و پکن ۱۹۹۵ پکن برای اقدام؛ کنوانسیون ۱۹۷۹ لغو تمامی فرم‌های تبعیض علیه زنان؛ قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد در زمینه صلح و امنیت زنان و پس از آن، قطعنامه‌های مربوط به صلح و امنیت زنان و خشونت جنسی در جنگ (همان: ۱۶).

۶-۶. ایجاد مراکز امن

کوراشی در تحقیقی بر ایجاد پناهگاه‌های امن تأکیدی کند و معتقد است چنین سیاست‌های بین‌المللی برای ریشه‌کن کردن این مشکلات ضروری هستند (کوراشی، ۲۰۱۳: ۴۱). کنوانسیون‌های ژنو بیان می‌کنند از زنان باید در مقابل حملات، تجاوز و ضرب و شتم محافظت شود (همان: ۴۳). اولویت‌بندی اقدامات علیه زنان، اداره خطوط تلفن و پناهگاه‌ها، آموزش زنان در زمینه آگاهی از حقوقشان و تلاش برای مبارزه با نقش‌های جنسیتی سنتی از جمله تلاش‌های سازمان‌های زنان در مناطق جنگی است. سازمان‌های زنان در مناطق

1. The Irish Consortium on Gender-Based Violence

جنگی اولویت‌بندی کار علیه خشونت‌های مربوط به جنسیت را تعیین می‌کنند. آن‌ها خطوط تلفن و پناهگاه‌ها را اداره می‌کنند، زنان را در مورد حقوقشان آموزش می‌دهند و مبارزات را برای ستیز با نقش‌های جنسیتی سنتی اجرا می‌کنند (کوینا تیل، ۲۰۱۲: ۲).

ایجاد مراکز امن در ساختاری دیگر برای زنان نیز، نمود پیدا کرده که نمونه‌های مشابه آن در زمان وقوع بلایای طبیعی در مناطق زلزله‌زده آذرماه سال ۱۳۹۶ اتفاق افتاد. اولویت واگذاری کانکس به زنان بی‌سرپرست و دارای فرزند زمین‌گیر^۱ برای حفظ حریم خصوصی و تأمین امنیت آنان در مقایسه با چادر، از این‌گونه موارد بوده‌است. انجام چنین اقداماتی در این مناطق یادآور آن است که پیش از آن که قانون برای انجام آن اجرایی شود عرف و پیوندهای قومی و قبیله‌ای کارساز می‌شود تا قانون و دستگاه‌های اجرایی را وادار به اولویت‌پشتیبانی از آنان کند. نمونه‌های مشابه در زمان وقوع سیل در استان‌های سیل‌زده لرستان و خوزستان در فروردین سال ۱۳۹۸ از چیره‌گی ارزش‌های اخلاقی و عرفی برای پشتیبانی از زنان بی‌سرپرست به وسیله‌ی شبکه خویشاوندی گزارش شده است.

بحث

در این بخش تلاش می‌شود یافته‌های مطالعه، به‌منظور دست‌یابی به دستاورد نظری، بررسی شوند. مطالعات نشان می‌دهد خشونت علیه زنان در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی با شدت گرفتن خشونت در ساختار خانواده از سوئی، ناامنی در مکان‌های عمومی و تعرض به آنان از سوی دیگر، رواج ازدواج‌های اجباری و زودهنگام برای فراهم‌آوری امنیت آنان به‌وسیله شوهر از سوی دیگر همراه است. مطالعاتی که به خشونت جنسی در مکان‌های عمومی علیه زنان در زمان بلایای طبیعی اشاره می‌کند نشان می‌دهد مقوله خشونت محدود به فرهنگ و مکانی ویژه نبوده و در هرجایی که اوضاع از حالت عادی خارج شود متداول می‌شود (مطالعات کمیته شهری برنامه‌ریزی مدیریت اضطراری در مقدونیه، ۲۰۱۶؛ فریس، ۲۰۱۵ در لیبریا، نامیبیا و ساموا، بوسنی و هرزگوین، نیوزیلند، جنوب آسیا و هائیتی، آمریکای لاتین و کارائیب، ساموا، بوسنی و هرزگوین؛ السالوادور، رومانی). قوی بودن نقش‌های جنسیتی و تقویت هنجارهای مردسالارانه در تمام فرهنگ‌ها با یکسان بودن شیوه برخورد با زنان پیوند داشته‌است. نبود امنیت در اردوگاه‌ها نیز خود ناامنی زنان و زیان‌های وارده بر آنان را شدت‌بخشیده‌است. از این‌رو بر اساس نظریه فمینیستی، خشونت علیه زنان بیش از آن که جنبه سرگرمی داشته باشد با هدف اثبات برتری و توهین صورت گرفته‌است.

۱. مصاحبه‌های میدانی، ۱۵ و ۱۶ آذر ۱۳۹۶

چنین وضعیتی در زمان بحران‌های اجتماعی نیز بدون کم‌وکاست زنان را مورد هدف قرار داده و انواع تحقیرها، توهین‌ها و ناامنی‌ها بدون توجه به فرهنگ، قومیت و یا طبقه ویژه، شامل آنان می‌شود. خشونت در زمان بحران‌های اجتماعی و از جمله جنگ در مقایسه با بلایای طبیعی از شدت بیشتری برخوردار است و افزون بر آن که گستردگی بیشتری دارد با تحقیر، نسل‌کشی و سست کردن روحیه نیز همراه است (مطالعات سازمان ملل، ۲۰۱۶؛ زمفیر، ۲۰۱۶؛ فرح، ۲۰۱۵؛ کوینا تیل، ۲۰۱۲؛ حقوق انسانی و عدالت جنسی، ۲۰۱۶؛ میلر، بی تا؛ بیتار، ۲۰۱۵؛ جانسون، ۲۰۱۵؛ کوراشی، ۲۰۱۳؛ اومانیوندو، ۲۰۰۵؛ به نقل از جونز و همکاران، ۲۰۱۴؛ کراوس و اسمیت، ۲۰۱۳)؛ بنابراین در زمان بحران‌های اجتماعی که با حمله به سرزمین دیگر همراه است برخلاف زمان وقوع بلایای طبیعی که نشانی از گروه‌های رقیب دیده‌نمی‌شود چنین گروه‌هایی برای تحقیر و توهین به گروه‌های قومی سرزمین دست یافته، از هیچ خشونتی چشم‌پوشی نمی‌کنند. آنچه که نظریه فمینیستی از تجاوز جنسی در زمان جنگ با هدف توهین و تحقیر زنان به‌عنوان دارایی‌های مردان مرور شد تماماً با چنین تجاوزهایی در زمان بحران‌های اجتماعی مصداق می‌یابد. زنانی که مجبور به مهاجرت می‌شوند در سرزمین خواستگاه نیز از ساختارهای مردسالارانه در پناه‌نیستند. همان‌گونه که در بخش‌های مختلف خشونت علیه زنان در بین مهاجرین پرداخته شد (گزارش‌های کمیته بین‌المللی نجات، ۲۰۱۴؛ گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد، ۲۰۱۶؛ پروژه زنان آسیب‌پذیر، ۲۰۰۹ به نقل از میلر، بی تا) زنان آسیب‌دیده از بحران‌ها در سرزمین خود با مشکلات و تهدیدات مختلفی - به جایی که به‌ناچار ترک زادگاه کرده‌اند - مواجه‌اند.

خشونت جنسی نخستین تهدید و درد مشترک تمام زنانی است که مهاجران جنگی‌اند. تجاوز جنسی در جاهای دیگر با ساختار مردسالارانه‌ای دیگر در کمین زنان پناهنده و گریخته از مهلکه جنگ است که تهدیدات سازمان‌های مدافع حقوق بشری را نیز در مقابل آنان قرار می‌دهد (پروژه زنان آسیب‌پذیر، ۲۰۰۹ به نقل از میلر، بی تا)؛ شدت آثار روحی تا آن جاست که توهین و تحقیرهای پیش روی آنان نه در زادگاهشان، بلکه سرزمینی است که نه‌تنها هیچ احساس دل‌بستگی به آنجا ندارند بلکه با بسیاری از نشانه‌های فرهنگی‌شان ناهمسان است. سوءاستفاده‌های جنسی از زنان آواره و احاطه زنان در ساختاری مردسالارانه گسترده‌ای به گستردگی مرزهای تمام کشورها را بازگومی‌کند.

هرچند درباره ازدواج‌های اجباری و زود هنگام تحقیقات مختلفی انجام شده اما گسترش گسترده آن در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی، از دیگر مواردی است که عرصه را

بیش‌ازپیش بر زنان تنگ‌می‌کند. با وجودی که ازدواج‌های اجباری و زودهنگام دختر بچه‌ها ویژگی جوامعی با ساختار سنتی است که در طول هزاران سال تداوم داشته و چیره‌گی ساختارهای کلان در امر تصمیم‌گیری در امر ازدواج را بازگومی‌کند، با وقوع بحران‌ها، آنجا که سرپرست خانواده به‌ناچار و یا براساس آموزه‌های فراگرفته‌شده در ساختار سنتی و دودمانی خود، نظارت بر دختر خود را به مرد دیگری بسیار بزرگ‌تر از خود می‌سپارد تا امنیت او را از سویی و تأمین مخارجش را از سوی دیگر فراهم‌کند آگاهانه و یا ناآگاهانه سیاست‌های پدرسالارانه‌ای را دنبال می‌کند که براینند شکل‌گیری سیاست‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای ناکارآمد نیاکان بوده و زنان را از توان رویارویی با آن باز نگه می‌دارد. تحقیقات زیر هریک گواهی بر این مدعاست (آلستون و همکاران، ۲۰۱۴؛ موتگان، ۲۰۱۴؛ فریس، ۲۰۱۵؛ لان، ۲۰۱۴؛ کمال‌الدینی و ازکیا (۱۳۹۷)).

مرور مطالعات مختلف انجام شده در زمینه خشونت خانگی علیه زنان در زمان بلایا و بحران‌ها، چیره‌گی فرهنگ مردسالاری و حق طبیعی آنان را قوت می‌بخشد. روی دیگر سکه در این گزاره، تشدید خشونت علیه زنان در درون خانواده‌ها آن‌جاست که مردان یک خانواده ممکن است فشارهای روحی و روانی خود را جایی که از آن خود می‌دانند بر زنان کنند. مشاهده تجاوزها، اجبار دختران به ازدواج‌های زودهنگام تنها برای فراهم‌آوری امنیت و یا سپردن هزینه‌های او به دیگری، آینده پوشیده و چگونگی فراهم‌آوری هزینه‌های خانواده، بنیه سست اقتصادی، فقر فرهنگی، تراکم بالای جمعیت هریک از خانوارها و مشکلات پیش روی آنان در رویارویی با ناکامی‌ها، خود را در پیکر بروز رفتارهای خشونت‌آمیز می‌نمایاند؛ خشونت‌هایی که روی سخن آن، فرودست‌تر و در مرتبه پایین‌تر از سرپرست خانوار است؛ بنابراین زنان و در گام پس از آن، کودکان قربانیان خشونت‌هایی می‌شوند که زاییده ناتوانی سرپرست خانوار از تمام مشکلات پیش روی اوست. این در حالی است که چنین رفتارهایی در زمان بلائی طبیعی و بحران‌های اجتماعی بر علیه زنان، فرهنگی را می‌پروراند که یاری‌گر بازتولید فرهنگ پدرسالارانه در درون خانواده‌ها است، در جامعه‌ای که ایدئولوژی پدرسالارانه به باورهای جمعی تبدیل شده است. این تحقیقات هریک بازگوی این مشکلاتند (پروژه زنان آسیب‌پذیر ۲۰۰۹ به نقل از میلر، بی‌تا). کمیته نجات بین‌المللی، ۲۰۱۴؛ کاکبرن ۲۰۱۳، کوراک ۱۹۹۶، نیکولیچ و ریستانویچ، ۲۰۰۰ به نقل از بانفیگیولی، ۲۰۱۵؛ جونز و همکاران، ۲۰۱۴؛ دانشگاه هاروارد، ۲۰۱۰، به نقل از جونز و همکاران، ۲۰۱۴؛ ویتمن و برمن، ۲۰۱۶). از سوی دیگر گزارش جنگ‌ها نیز که مشکلات خانواده‌های متواری را بازگو می‌کند شرح چالش‌های تمام سرپرستان خانوار و غالباً مردانی است که افزون بر مشکلات روحی و

روانی، در کنار سایر مشکلات، دلهره و نگرانی دائمی در مورد فراهم‌آوری روزی خانواده دارند. امری که در نظریه کالینز و کلترانس به خوبی یادآور شده است.

پیامدهای اجتماعی خشونت جنسی علیه زنان و زندگی زنان پس از جنگ و بلایای طبیعی نیز دو نشان درهم‌تنیده هستند که هم سو با یکدیگر قرار می‌گیرند. باقی ماندن نشانه‌های روحی و روانی آن تا بلندمدت و در بیشتر موارد تا پایان عمر، از پیامدهای سنگین خشونت علیه زنان در جنگ‌ها و بلایای طبیعی است. در بیشتر موارد که خشونت‌ها شامل تجاوز به زنان یک قوم باشد پیامدهای آن نه فردی، بلکه جمعی است که خاطره جمعی یک قوم و ملت را مخدوش می‌کند. در شرایطی که زنان قربانی از سوی خانواده و گروه قومی خود در انزوا قرار گرفته و یا با محرومیت‌های اجتماعی روبرو شوند آسیب‌های وارده بر آن‌ها بسیار دامنه‌دارتر خواهد بود. جایی که ساختارهای مردسالارانه بر جان و روح زنان به‌عنوان دارایی بی‌مناقصه مردان، سلطه می‌راند و حتی زنان قربانی بی‌گناه و بی‌اختیار در تعرضات را مورد خشونت‌های دیگری قرار می‌دهد. از این رو آسیب‌های روحی و فیزیکی وارد آمده، بر شدت آسیب‌پذیری آنان می‌افزاید. فراهم‌آوری هزینه‌های زندگی، ابتدایی‌ترین دلوپسی آن‌هاست که گاه فراهم‌آوری آن ممکن است آنان را در معرض خشونت‌های دیگری، از نو، قرار دهد (میلر، بی‌تا؛ حقوق انسانی و عدالت جنسی، ۲۰۱۶؛ کوراشی، ۲۰۱۳؛ براون، ۲۰۱۲؛ جانسون، ۲۰۱۵؛ گزارش سازمان‌های مردم‌نهاد، ۲۰۱۶؛ سلطانی‌نژاد و برشان، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

مرور مطالعات خشونت علیه زنان در زمان بلایای طبیعی و بحران‌های اجتماعی، انواع تعرض‌ها و پیامدهای خسارت‌بار روحی و جسمی آن، خشونت در مواقع بحرانی را به‌عنوان یک مسئله جدی نیازمند مداخله می‌کند. هماهنگی دولت ملی و سازمان‌های محلی، دولت و سازمان‌های بین‌المللی برای انجام اقدامات لازم به‌منظور دسترسی نیروهای صلیب سرخ و هلال‌احمر به مناطق آسیب‌دیده از مواردی است که افزون بر اداره منطقه به بهترین شکل ممکن، امنیت گروه‌های آسیب‌پذیر - با شرایط ویژه برای زنان باردار و شیرده- را فراهم می‌کند. لازم است همزمان نظارت کافی بر تلاش‌های این نیروها انجام شود تا تجاری‌مانند سوءاستفاده سازمان‌های مدافع حقوق بشری در لیبریا علیه زنان و دختران جوان تکرار نگردد. اقدام به فرزندآوری به ویژه در ایران هرچند با هدف بازگشت خانواده به اوضاع طبیعی است اما در شرایطی که خانواده با کاستی‌های بسیاری روبرو بوده و زنان بیشترین آسیب ناشی از خشونت را متحمل می‌شوند تنها نوزادان زاییده شده را به سیاهه قربانیان

خشونت اضافه‌می‌کند بنابراین می‌بایست پس از استقلال اقتصادی خانواده، فراهم‌آوری امنیت و به ویژه زنان و کاهش خشونت‌های موجود انجام گیرد.

روی دیگر گفتگو سازمان‌های امدادی و اجتماعی است که تلاش‌هایی با رویکرد تاب‌آوری زنان مناطق بحران‌دیده در قالب توانمندسازی انجام می‌دهند. واقعیتی است تا زمانی که اوضاع اقتصادی خانواده بحرانی است هیچ توانمندسازی با آموزش تاب‌آوری کارگر نخواهد بود و چنین برنامه‌هایی تنها صرف بودجه و زمان است. خانواده‌های بحران‌دیده‌ای که چیزی برای دست دادن ندارند را نمی‌توان با پند و اندرز به زندگی عادی برگرداند و خشونت خانگی را کاهش داد. بسیار ساده‌انگارانه است اگر تصور شود خشونت‌های خانگی در چنین شرایطی با چنین برنامه‌هایی کارساز است. چنین برنامه‌هایی تنها تداوم خشونت را موجب شده و زنان را تشویق به خاموشی و سازش می‌کند و تنها در شرایطی سودمند است که وضعیت روزی خانواده و امنیت روانی و جسمی از بعد مسائل اقتصادی رو به بهبود گذاشته باشد. از این رو ضرورت دارد ایجاد زمینه برای اشتغال، بازتوانی اقتصادی خانواده‌ها و اختصاص کمک‌های لازم برای خودکفایی اقتصادی خانواده‌ها از نخستین اقدامات دولت‌ها باشد.

سخن آخر آن‌که پنهان‌کاری پیش از آن‌که بتواند مؤثر افتد به ناپودی بیشتر قربانی کشیده‌می‌شود و با وجود ساختارهای قوی مردسالارانه، بسیاری از خشونت‌های علیه زنان با توجه به ملاحظات، ترس از رسوایی و یا رانده شدن، پنهان می‌ماند بدون اینکه راه‌کاری برای آن در نظر گرفته شود. از این رو حمایت از قربانیان بیش از هر چیز، نیازمند تلاش برای تغییر نگرش - مانند فتوای رهبران جامعه ایزدی - از سوی سازمان‌های مدافع حقوق بشری و رهبران مذهبی در جهت کاهش ساختارهای مردسالارانه است تا به جای راندن زنان آنان را دوباره به آغوش جامعه بازگرداند. تدوین چارچوب‌های حقوقی فعال در امر برابری جنسیتی برای مبارزه با نگرش‌های جنسیتی که زنان را دارایی مردان تعریف می‌کند می‌تواند به کاهش خشونت علیه آنان منجر شود. احترام به موازین حقوق بشر و تعمیم آن نیازمند حمایت‌های مالی و فرهنگی از جانب دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و همبستگی در سطح جهانی است.

سپاسگزاری

با سپاس از تمامی زنان مناطق زلزله‌زده سرپل ذهاب و آقای آزاد دارابی، مدیر کلینیک مددکاری اجتماعی یار (کرمانشاه) در بخش مصاحبه‌ها.

منابع

- آبوت، پاملا؛ والاس، کلر. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- بهمن جنبه، فریده؛ اردیبهشتی خیابان، مریم و کهن، شهناز. (۱۳۹۶). «مطالعه کیفی نقش‌های جنسیتی زنان در زلزله»، *زن و مطالعات خانواده*، سال نهم: شماره ۳۵، ۳۴-۷.
- پارسی‌زاده، فرخ و اسکندری، ملیحه. (۱۳۹۲). «بررسی توانمندی‌ها و نیازهای زنان در شرایط بحران، با رویکرد زلزله، مطالعه موردی زلزله ۵ دی ۱۳۸۲ بم»، *پژوهشنامه زلزله‌شناسی و مهندسی زلزله*، سال شانزدهم: شماره ۱، ۷۲-۵۹.
- حسینیان، سیمین و خدابخشی کولائی، آناهیتا. (۱۳۸۳). *وضعیت سلامت روانی زنان و مردان شهرستان بم پس از وقوع زلزله*، مقالات کنفرانس بین‌المللی زلزله (یادواره فاجعه بم)، ۱۰-۸ دی ۱۳۸۳، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان.
- سلطانی‌نژاد، امیر، برشان، ادیبه. (۱۳۹۷). «بررسی آسیب‌پذیری اجتماعی زنان در حوادث طبیعی با تأکید بر زلزله‌های ورزقان و اهر»، *فصلنامه مدیریت بحران*، سال هفتم: شماره ۱، ۹۹-۱۰۸.
- سلیمی، مینو. (۱۳۹۷). «مطالعه تجربه زیسته زنان سرپل‌ذهاب از زلزله آبان ماه ۱۳۹۶»، *انسان‌شناسی و فرهنگ*، سه‌شنبه، ۱۴ اسفند ۱۳۹۷.
- سیستانه‌ای، فرشته؛ گودرزی، زهرا؛ رضاپور، رفعت؛ مهران، عباس؛ محمودی، آذر؛ زاغری تفرشی، منصوره، احمدوند، حاتم؛ شیمودایرا، یویکو؛ اوهارا، ماریکو؛ ایمورا، کایوکو. (۱۳۸۴). «بررسی وضعیت روحی و روانی پرستاران آسیب‌دیده در زلزله بم پس از یک سال»، *فصلنامه حیات*، سال یازدهم، شماره ۲۴ و ۲۵، ۲۱-۱۵.
- کمال‌الدینی، معصومه و ازکیا، مصطفی. (۱۳۹۷). «مطالعه پدیده ازدواج اجباری زنان در فجایع طبیعی (پیامدهای اجتماعی فاجعه در زنان بازمانده زلزله ۱۳۸۲ بم)»، *نامه انسان‌شناسی*، سال چهاردهم، شماره ۲۵، ۲۰۲-۱۶۹.
- مالمیر، مهدی. (۱۳۹۲). *ترس از قربانی‌شدن و قبض فضای عمومی*، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، سال دوم: شماره ۳، ۱۶۳-۱۴۳.
- Active against Forced Marriage. (N.D) *Johann Daniel Lawaetz-Foundation Germany Hamburg; MOVISIE, Netherlands center for social development The Netherland Utrecht; Forced Marriage Unit, Foreign and Commonwealth Office United Kingdom London; Women for Women's Human Right's (WWHR) – NEW WAYS. Turkey Istanbul; Magistratsabteilung 57 (MA 57) Frauenabteilung der Stadt Wien, Women's Department of the City of Vienna, Austria Vienna; ROKS, The National organisation for Women's shelters and young Women's shelters in Sweden, Sweden Stockholm; Zwangsheirat.ch, Verein Katamaran Switzerland-Zug; Free and Hanseatic City of Hamburg, Ministry for Social and Family Affairs, Health and Consumer Protection. Germany Hamburg*
- Alston, M., Whittenbury, K., Haynes, A., Godden, N. (2014). "Are climate challenges reinforcing child and forced marriage and dowry as adaptation

- strategies in the context of Bangladesh?”, *Elsevier, Women's Studies International Forum*, 47, 137-144.
- Barreda, G. O., Cases, C. V. (2013). “Legislation on Violence Against Women: Overview of Key Components”, *Rev Panam Salud Publica*, 33(1), 61-72.
- Bashiru, A. M. (2012). *Sexual Violence Against Women And Their Human Rights In The Wa Municipality In The Upper West Region Of Ghana*, thesis of A.M. The Hague, The Netherlands
- Bengts, E. (2016). A case study of post-earthquake consequences for women within marginalized groups in Nepal, A qualitative case study with the aim to explore the consequences for women within marginalized groups in a post-earthquake society, thesis of M.A. *Linkoping university*.
- Bitar, S. (2015). Sexual violence as a weapon of war: the case of ISIS in Syria and Iraq, M.S. thesis, Supervisor: Luz Paula Parra, *Uppsala University*.
- Bonfiglioli, Ch. (2015). “Gendered citizenship in the global European periphery: Textile workers in post-Yugoslav states”, *Women's Studies International Forum* 49, 57-65, www.elsevier.com/locate/wsif.
- Brown, C. (2012). “Rape as a weapon of war in the Democratic Republic of the Congo”, *TORTURE*, Volume 22, Number 1, 24-37.
- Child Marriage and Domestic Violence (2006). *International Center for Research on Women*.
- Collins, R., Coltrane, S. (1991). *Sociology of marriage and the family*; Nelson-Hill,.
- Daesh Strategically and Intentionally Targets Yazidi Women and Girls for Heinous Crimes on Ideological Grounds, *Global Justice Center: Human Rights Through Rule of Law* www.globaljusticecenter.net.
- Darko, E., Smith, W., Walker, D. (2015). Gender Violence in Papua, New Guinea The Cost to Business, Shaping Policy for Development, *Overseas Development Institute*, odi.org.
- Davis, L.(N.D) Iraqi women Confronting ISIL: Protecting Women's Rights in the Context of Conflict, *Southwest Journal of International law*, 22 ,27-78.
- Duvvury, N., Callan, A., Carney, P., Raghavendra, S. (2013). Economic Costs and Implications for Growth and Development, *Women's Voice, Agency & Participation, paper, series NO.3, The world bank*.
- Lee, E. (1989). *Theories of rape: inquiries into the causes of sexual aggression. Washington, D.C: Hemisphere Pub. Corp.*
- Eriksson Baaz, M., Stern, M. (2018). “Curious erasures: the sexual in wartime sexual violence”, *International Feminist Journal of Politics*, *Routledge, Taylor & Francis Group*, Vol. 20, No. 3, 295-314.
- Faedi Duramy, B. (2012). Women in the Aftermath of the 2010 Haitian Earthquake, Golden Gate University School of Law, *GGU Law Digital Commons*, <http://digitalcommons.law.ggu.edu/pubs>.
- Feminist Perspectives on Rape. (2017). *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, First published Wed May 13, 2009; substantive revision Wed Jun 21, 2017.
- LawyerS, F. (2015). Sexual Violence as Weapon of War, *Lawyer & Legal researcher, Beirut, 10/6/2015*.
- Ferris, E. G. (2015). Unseen, unheard: Gender-based violence in disasters Global study, Country Researchers: Anna Dzieszkowska, Sophie Graven Minnig, Amra

- Lee, Florence Mangwende, Linda Manning, Charlotte Nicol, Samuel Stern and Iris Trapman, Reviewers: Julienne Corboz, Anna Dzieszowska, David Fisher, Siobh Jn Foran, Kelly Gauci, Josh Hallwright, Tessa Kelly and May Maloney, *International Federation of Red Cross and Red Crescent Societies, Geneva, Switzerland, Web site: www.ifrc.org.*
- G7 Report on the Implementation of the G8 Declaration on Preventing Sexual Violence in Conflict. (2015). *Schloss Elmau, G7 Germany.* 25 November
- Gelles, R. J. (1985). "Family Violence". *Annual Review of Sociology*, 11, 347-367.
- George, A., Bridget, H. (2014). Landscapes of violence: women surviving family violence in regional and rural victoria, research project, *Centre for Rural and Regional Law and Justice. Deakin University, Victoria, Australia.*
- Goldfarb, S. F. (2002). "The Supreme Court, the Violence Against Women Act, and the Use and Abuse of Federalism", *Fordham Law Review*, 71(1), 58-109.
- Human Rights and Gender Justice. (HRGJ) Clinic, City University of New York School of Law (2016) *Human Rights Violations Against Women and Girls in Syria, 26th Session of the UPR Working Group of the Human Rights Council [25 July].*
- I am alone, Single Women and the Nepal. (2015). *Oxfam and Women for human rights*, single women group.
- International Rescue Committee. (2014). Are We Listening? Acting on our Commitments to Women and Girls Affected by the Syrian Conflict, *New York, Rescue.org, September.*
- Jahan, S. (2016). Human Development for Everyone, *United Nations Development Programme.*
- Johansson, M. (2015). Wartime Sexual Violence: The Case of Islamic State in Iraq and the Levant (ISIL), M.S.thesis, Supervisor: Thomas Brambor., *Lund University, Development Studies Spring 2015 Department of Political Science*
- Johnson, R. R. (2013). Rape and Gender Conflict in a Patriarchal State, First Published April 10, <https://dio.org>.
- Jones, N., Cooper, J, C., Presler-Marshall, E., Walker, D. (2014). The fallout of rape as a weapon of war, the life-long and intergenerational impacts of sexual violence in conflict, *Shaping policy for development odi.org.*
- Kennedy, T. L. M. (2007). The Personal is Political: Feminist Blogging and Virtual Consciousness-Raising", *the Scholar and Feminist Online, Published by The Barnard Center for Research on Women, Volume 5, Issue 2.*
- Marsh, E. A. (2011). Victim Offender Overlap in Intimate Partner Violence, *Criminal Justice Theses Department of Criminal Justice, Georgia State University.*
- McLoughlin, C.; Cooly, L. (2013). Helpdesk Research Report: Violence against women and girls in Haiti, *Governance and social Development resource center.*
- McPhail, A. B. (2016). "Feminist Framework Plus: Knitting Feminist Theories of Rape Etiology in to a Comprehensive Model", *Trauma, Violence & Abuse*, Vol. 17, issue 3, 314-329.
- Miller, L. (ND). The Irony of Refuge: Gender-Based Violence against Female Refugees in Africa, *Human rights & human welfare.*

- Macedon Ranges Prevention of Violence Against Women in Emergencies Action Plan.(2016). *Municipal Emergency Management Planning Committee* , 2016-17, Macedon Ranges PVAW in Emergencies Action Plan 2016-17 Revised [D16-36473] 1, Prevention of Violence Against Women in Emergencies Subcommittee, June.
- Mutgan, S. (2014). Trends in Early Marriage in Shashemene, Ethiopia, A thesis of M.A, Supervisor(s):Gunilla Bjerer; Prof. Emeritus, *Stockholm University*.
- NGO Summary Report. (2016). Violations against women in Syria and the disproportionate impact of the conflict on them, *Universal periodic review of the Syrian, Arab Republic*- November.
- Oforchukwu, J. I. (2010). A Biblical and theological study (Analysis) of marriage and divorce among IGBO catholic christians (Nigeria).A thesis of M.A, Supervisor: professor Samuel Waje kunhiyop, *south African theological seminary*.
- Qurashi, SH. (2013). The recognition of Violence against women as a violation of human right in the United Nation system. *South Asian Studies*, 28(1),187-198.
- Rayale, S.; Ed Pomfret; D. W. (2015). Somali Solutions, *Oxfam Research Reports*, www.oxfam.org.
- The Kvinna till Kvinna Foundation. (2012). “Violence against women as a weapon”, *UN’s Special Representative on Sexual Violence in Conflict*, 2010-2012.
- The growing problem of child marriage among Syrian girls in Jordan. (2014). *Save the children 1 St John’s Lane London EC1M 4ARUK*
- Tuncay Senlet, E. (2012). Domestic Violence Against Women in Relation to Marital Adjustment and Psychological Well-Being, with the Attachment Marital Coping, and Social Support, A Thesis of Ph.D. Supervisor: Hurol Fişiloglu, Department of Psychology The Graduate school of social sciences of Department of Psychology, *Middle East University of Technology*.
- UN Peacekeepers. (2016). Violence against Women, Trafficking, Prostitution, and Exploitation, *Republic of Haiti Submission for the 63rd Session of the United Nations Committee on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women*, February 25.
- UNICEF .(2018). Child marriage, Latest trends and future prospects, Data and Analytics Section, Division of Data, *Research and Policy*.
- United Nations. (2010). Women and War, Institute of peace, Making peace possible *Social Institution & Gender*.
- Orange the World in 16 Days (2016).*United Nations*, International Day for the Elimination of Violence against Women, Sixteen Days of Activism against Gender Violence, 10 December.
- United Nations. (2016). Report of the Secretary-General on conflict-related sexual violence Report of the Secretary-General, *Security Council Distr.:* General 20 April 2016 Original: English, 16-06533 (E) 260416.
- Violence against women, Strengthening the health response in times of crisis(2018) *world Health Organization*, 23 November 2018.
- Weitzman, A.; Behrman, J. A. (2016). “Disaster, Disruption to Family Life, and Intimate Partner Violence: The Case of the 2010 Earthquake in Haiti”, *sociological science*, www.sociologicalscience.com. Volume 3, 167-189.

- Winton, A. (2004). Urban violence: a guide to the literature Environment and Urbanization, with the effects of attachment, *middle east technical university*.
- Women, War and Displacement: A review of the impact of conflict and displacement on gender-based violence. (2016). *The Irish Consortium on Gender-Based Violence*, A report by The Irish Consortium on Gender-Based Violence, Published November, Ireland.
- Weitzman, A.; Julia Andrea, B. (2016). "Disaster, Disruption to Family Life, and Intimate Partner Violence: The Case of the 2010 Earthquake in Haiti", *sociological science*, www.sociologicalscience.com.
- Winton, A. (2004). Urban violence: a guide to the literature Environment and Urbanization, with the effects of attachment, *middle east technical university*.
- Tuncay Senlet, E. (2012). Domestic Violence against women in relation to marital adjustment and psychological well-being, with the attachment marital coping, and social support A thesis of S.A, Supervisor: Hurol Fişiloglu, *Middle East University of Technology*.
- Zamfir, I. (2016). *Fighting conflict-related sexual violence*, EPRS (European Parliamentary Research Service)